

کژکارکردهای سرمایه اجتماعی و نقش دین در بهبود آن

جلال درخشه*

محسن ردادی**

چکیده

سؤال اصلی در این مقاله این است: آیا مذهب می‌تواند برای افزایش و بهبود کارکرد سرمایه اجتماعی به کار رود و از عوارض منفی سرمایه اجتماعی بکاهد؟ فرضیه نگارندگان این است که اصول سرمایه اجتماعی اسلامی باعث می‌شود که ویژگی‌های خاصی بر روابط موجد سرمایه اجتماعی حاکم شود و در نتیجه، بسیاری از کژکارکردهای سرمایه اجتماعی خنثی شود.

این مقاله با روش تطبیقی، ابتدا مفهوم سرمایه اجتماعی و کژکارکردهای آن را بررسی می‌کند و سپس، اصولی را که اسلام در مورد روابط اجتماعی توصیه کرده است در حکم روشی برای بهبود سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. در این نوشتار، پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های اسلامی به‌کار گرفته شود تا از عوارض نامطلوب سرمایه اجتماعی کاسته شود.

کلیدواژه‌ها: مطالعات سیاسی اسلام، کژکارکردی‌ها، سرمایه اجتماعی، روش تطبیقی.

مقدمه

اکنون سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است و حجم متون دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به سرعت در حال افزایش است. رابرت پاتنام کارکردهای سرمایه اجتماعی را در حوزه سیاست نشان داد. او در کتاب مشهور خود با نام *دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا*

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) mohsen1404@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۹

و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار نقش سرمایه اجتماعی در نهادینه‌شدن دموکراسی در ایتالیا را بررسی کرد. مطالعات پاتنام توجه بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی را به سرمایه اجتماعی جلب کرد. او از مطالعه تطبیقی شمال و جنوب ایتالیا بهره گرفت.

پاتنام «فرهنگ سیاسی» را کلید فهم تفاوت میان شمال و جنوب ایتالیا می‌داند. به نظر وی، در مناطق جنوبی ایتالیا از نظر تاریخی، فرهنگ ریشه‌دار استبداد دوران حکومت نورمن حاکم بود و میان مردم و حکومت و نهادهای جامعه شک و ترس و تردید دوسویه وجود داشت که مانع پیشرفت آنان می‌شد. این میراث فرهنگی - تاریخی موجب شده در جامعه مدرن نیز دموکراسی کارایی لازم را نداشته باشد (محمدی، ۱۳۸۴: مقدمه).

پاتنام در کار خود از مطالعات نویسنده فرانسوی، آلکسی دو توکویل، پیروی کرده است. توکویل بر مبنای تجارب سفرهایش در آمریکا در ۱۸۳۱، به توصیف زندگی معاشرتی مردم آمریکا که زمینه دموکراسی قدرتمند را فراهم کرده بود، می‌پردازد. از نظر وی، فعالیت‌های داوطلبانه همانند چسبی اجتماعی افراد آمریکایی را به هم پیوند می‌دهد (Field, 2003: 5) و دموکراسی ساختارمندی به وجود می‌آورد که بحران‌ها و چالش‌های آن بسیار کمتر از دموکراسی‌های اروپایی است. او این نکته را به اروپاییان یادآوری می‌کند که برخلاف تصور رایج، لزوماً «آزادی» ارمغان‌آورنده «دموکراسی» نیست. برای به وجود آمدن دموکراسی در جامعه به بیش از این نیاز است و مردم باید به چگونگی روابط با دیگران که مبتنی بر عدالت باشد، آشنا باشند. اگر مردم جامعه‌ای این روش‌ها را ندانند، نمی‌توانند دموکراسی پایداری داشته باشند.

پس از نگارش این کتاب، نظر بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌مداران به مفهوم سرمایه اجتماعی جلب شد. بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا، متوجه زنگ خطری که پاتنام نواخته بود شد و در ۱۹۹۴ وی را برای مطالعه جامعه آمریکا به کمپ‌دیوید فراخواند. پاتنام تحقیقات خود را در مورد سرمایه اجتماعی در آمریکا به مدت چند سال پی‌گرفت و نتیجه این مطالعات بولینگ به‌تنهایی: *فروپاشی و احیای جامعه آمریکایی* شد. پاتنام در این کتاب، جامعه آمریکا را مطالعه و نشانه‌های زوال سرمایه اجتماعی را در آن بررسی کرد.

بخشی از مطالعات در مورد سرمایه اجتماعی، به نتایج و تأثیرات سرمایه اجتماعی در جامعه اختصاص یافته است. شاید مهم‌ترین و غنی‌ترین بخش از سرمایه اجتماعی نیز همین باشد؛ زیرا تأثیرات سرمایه اجتماعی کاملاً ملموس و آشکار است و فقدان سرمایه اجتماعی به سرعت در جامعه کشف می‌شود. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی، با

تحقیقات فراوان نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی کارکردهایی مهم و اساسی دارد. آن‌ها بر کارکردهای مطلوب سرمایه اجتماعی در جامعه تأکید دارند. اما برخی دیگر از محققان علوم اجتماعی به این نکته اشاره می‌کنند که سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیرات نامطلوب نیز در جامعه بگذارد. این افراد با احتیاط بیشتری به سرمایه اجتماعی می‌نگرند و حتی به گسترش سرمایه اجتماعی منفی در جامعه هشدار می‌دهند.

در این مقاله به کارکردهای مثبت سرمایه اجتماعی، مانند انسجام و تسهیل امور می‌پردازیم و به عوارض منفی سرمایه اجتماعی، مانند ایجاد نابرابری و هم‌رنگی اجباری نیز توجه نشان می‌دهیم و در نهایت، سرمایه اجتماعی اسلامی را به‌مثابه راه حلی برای کاستن از عوارض منفی سرمایه اجتماعی مرسوم معرفی خواهیم کرد.

تعریف سرمایه اجتماعی

رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴). سایر تعریف‌هایی که از سرمایه اجتماعی انجام شده نیز بر این نکته اتفاق نظر دارند که روابط فرد با دیگران ارزشمند است. نگارندگان با جمع‌بندی تعاریف و نظریات گوناگون، سرمایه اجتماعی را به‌اختصار این‌گونه تعریف می‌کنند: توانایی کسب منفعت از رابطه‌های «مؤثر» و «اعتماد‌آمیز» میان افراد جامعه. در توضیح این تعریف باید به تفاوت میان انواع روابط انسان در اجتماع توجه کرد. هر فرد در اجتماع با سایر افراد جامعه در تماس است و ضمن تعامل با آن‌ها رابطه‌ای میان او و دیگران به‌وجود می‌آید. دسته‌ای از این روابط چندان مهم و قابل توجه نیستند و در زندگی روزمره ما از این روابط زیاد است. ما هر روز با آدم‌هایی سروکار داریم که به‌صورت محدود با آن‌ها رابطه داریم؛ مثلاً فقط در حد سلام و تعارف. رابطه‌ای که با راننده تاکسی، هم‌سفر، فروشنده کالا، بازیگر مشهوری که برایش دست تکان می‌دهیم و به ما لبخند می‌زند، یا فردی که آدرسی از او می‌پرسیم از این دست رابطه‌هاست؛ روابطی که نمی‌توان روی آن حساب کرد و به اندازه کافی «عمیق» نشده است که هر دو طرف، خود را به آن متعهد بدانند.

ممکن است رابطه‌هایی که در بالا مثال زده شد در طول زمان ادامه یابد و کم‌کم این روابط شخصی‌تر و عمیق‌تر و بتوان از این روابط برای کسب منفعت بهره برد. مثلاً

فروشنده‌ای که مرتب از او خرید می‌کنیم بعد از مدتی، ممکن است به ما «اعتماد» کند. این رابطه مبتنی بر اعتماد سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و می‌تواند برای برآوردن برخی اهداف به‌کار گرفته شود؛ مثلاً می‌توان از او کالایی خرید و بعداً پول آن را پرداخت. در این حالت، سرمایه اجتماعی به‌کار گرفته شده است. هرچه این سرمایه اجتماعی بیشتر باشد کالای گران‌بهرتری می‌توان به نسیه خرید؛ زیرا اعتماد بیشتری وجود دارد. اگر این اعتماد به‌درستی پاسخ داده شود و به‌موقع مبلغ کالا پرداخت شود، سرمایه اجتماعی و اعتماد ناشی از آن افزایش می‌یابد و در نتیجه، می‌توان در موارد بعدی کالای گران‌قیمت‌تری دریافت کرد. این مثال نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سطح فردی چگونه ایجاد می‌شود و به‌کارگیری آن چگونه منجر به افزایش و تقویت آن می‌شود.

سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» و «پیوندی»

محققان در بررسی سرمایه اجتماعی به دو نوع متفاوت از سرمایه اجتماعی رسیده‌اند: سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» (bonding) و سرمایه اجتماعی «پیوندی» (bridging). راس گیتل و آویس ویدال تمایز میان این دو نوع سرمایه اجتماعی را در کتاب خود آورده‌اند (Gittel & Vidal, 1998).

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی

روابطی که با خانواده و دوستان صمیمی برقرار می‌شود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تولید می‌کند. افرادی که در یک شبکه روابط قرار می‌گیرند با یکدیگر ارتباط مؤثر و اعتمادآمیز برقرار می‌سازند (McKenzie, 2008: 1, 25, 30). هرچه تعداد دوستان صمیمی بیشتر باشد، می‌توان از سرمایه اجتماعی بیشتری بهره برد. معمولاً دوستان صمیمی در قبال یکدیگر احساس تعهد و مسئولیت دارند و متقابلاً به یکدیگر کمک می‌کنند. بدیهی است که در قبال دریافت این خدمات از دوستان پولی دریافت نمی‌شود و فقط براساس رفاقت و اعتماد این اقدامات خیرخواهانه انجام می‌شود. دوستان صمیمی در قبال دریافت خدمت، احساس «دین» پیدا می‌کنند؛ یعنی، خود را مدیون دوست خود می‌دانند و درصدد یافتن راهی برای جبران این لطف برمی‌آیند. همین امر، هم اعتماد به یکدیگر را افزایش می‌دهد و هم بستری برای روابط بیشتر فراهم می‌سازد. فردی که دوستان زیادی دارد که به او «مدیون» اند از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است و می‌تواند آن را به انواع دیگری از خدمات و

کالاها تبدیل کند. مثلاً از دوست خود خودرو یا پول قرض بگیرد یا از او بخواهد در کاری او را یاری کند. همه این کارها به واسطه سرمایه اجتماعی انجام می‌شود و فرد بدون این که مبلغ گزافی پول خرج کند می‌تواند از این امکانات بهره‌مند شود. فرد می‌تواند از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای افزایش اهداف شخصی استفاده کند. کاملاً عقلانی است که افراد برای بهره‌مندی از مواهب سرمایه اجتماعی به افزایش این نوع سرمایه بپردازند و از آن مانند دارایی ارزشمندی محافظت کنند؛ مثلاً به دیگران کمک کنند تا در مواقعی که نیاز دارند از کمک دیگران بهره‌مند شوند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، به ویژه برای تجار و سرمایه‌داران، ارزشمند است؛ زیرا به کار آن‌ها سهولت می‌بخشد و سود مادی آن بسیار چشمگیر است. خوش‌نامی و معتمدبودن سرمایه اصلی کار این افراد است. بدون وجود سرمایه اجتماعی کافی، تاجر نمی‌تواند در بازار دوام بیاورد. اعتبار در بازار همان سرمایه اجتماعی است. بیشتر معاملات بازار به صورت دریافت کالا یا خدمات در آینده است و میان پرداخت پول و دریافت کالا فاصله زمانی وجود دارد. اگر اعتبار تاجر به اندازه کافی در میان سایر تجار بالا نباشد، قادر نیست این دسته از معاملات را انجام دهد و عملاً از گردونه رقابت خارج می‌شود.

سرمایه اجتماعی پیوندی

نوع دیگری از سرمایه اجتماعی که میان گروه‌های مختلف و ناهمگون برقرار می‌شود، سرمایه اجتماعی پیوندی نامیده می‌شود. رابطه‌ای که در این نوع از سرمایه اجتماعی برقرار می‌شود براساس پیوند خویشاوندی یا روابط شخصی نیست. سرمایه اجتماعی پیوندی باعث می‌شود افراد و گروه‌های نامتجانس با یکدیگر رابطه برقرار کنند و بنابراین، از تشکیل گروه‌های کوچک مجزا در جامعه جلوگیری می‌شود. منافع و مزایای این نوع سرمایه اجتماعی، علاوه بر این که به افراد و گروه‌ها تعلق می‌گیرد، به سطح جامعه نیز سرریز می‌شود و عموم جامعه هم از آن برخوردار می‌شوند. دولت یکی از نهادهایی است که از مزایای سرمایه اجتماعی پیوندی برخوردار می‌شود و گسترش آن را به سود خود می‌بیند.

«شبکه‌های اجتماعی» و «سنت‌ها» مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند برای تولید سرمایه اجتماعی پیوندی به کار رود. این ابزارها روابط مؤثر و اعتمادآمیزی میان گروه‌های گسترده‌ای از افراد به وجود می‌آورند. سرمایه اجتماعی پیوندی حاصل پیوند خوردن غریبه‌ها به یکدیگر است و این مهم‌ترین عامل تمایز آن از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است (Coffé & Geys, 2007).

جامعه متعادل به هر دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی نیازمند است (Meadowcroft & Pennington, 2008: 2 - 3, 21, 119) سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی اگر با یکدیگر هماهنگ باشند، باعث افزایش تولید سرمایه اجتماعی می شوند (Agnitsch et al, 2006: 1, 36, 37)؛ اما اگر این دو با هم در تعادل نباشند، در جهت تضعیف یکدیگر عمل می کنند. هرچه سرمایه اجتماعی درون گروهی تقویت شود، ارتباط آن‌ها با گروه‌های مشابه کاهش می یابد و سرمایه اجتماعی پیوندی تضعیف می شود. (Patulny & Svendsen, 2007: 27, 32). سرمایه اجتماعی درون گروهی می تواند منجر به تشکیل گروه‌های قومی در جامعه شود که از سایر گروه‌های اجتماعی دور افتاده اند. در شکل افراطی آن می توان انتظار داشت که با افزایش رابطه منفی میان گروه‌ها، شاهد پاکسازی قومی باشیم.

در گروه‌های مافیایی، معمولاً پیوندهای درون گروهی بسیار قوی است؛ اما این روابط اعتمادآميز به خارج از گروه انتقال نمی یابد. آن‌ها از هر فرصتی برای ضربه زدن به افراد خارج از گروه به منظور جلب منفعت برای گروه خود استفاده می کنند. در این گروه‌ها تأکید می شود که اعتماد به افراد خارج از گروه نادرست، خطرناک و مضر است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱).

کژکارکردهای سرمایه اجتماعی

همان‌طور که گفته شد، سرمایه اجتماعی مورد اقبال جدی دانشگاهیان قرار گرفته است؛ اما این مسئله مانع از این نشده است که از تیغ انتقادات اندیشمندان مصون بماند. انتقادات جدی‌ای که به سرمایه اجتماعی وارد شده است سبب می شود که زبان‌های آن نیز آشکار شود و در نتیجه، در عرصه نظر باید به دنبال برطرف کردن این اشکالات برآیم و در عرصه عمل نیز، باید الگوی تولید سرمایه اجتماعی با دقت انتخاب شود. به نظر رابرت پاتنام، اگر نهاد سیاست و دموکراسی در کشوری به اندازه کافی قوی نباشد، می تواند از سوی گروه‌های دارای سرمایه اجتماعی مورد تهدید قرار گیرد و این جاست که سرمایه اجتماعی عواقب ناگواری به بار می آورد.

یک نمونه معروف و تاریخی این وضعیت جمهوری وایمار^۱ است. در غیاب نهاد سیاسی قوی و کارآمد، مردم آلمان دچار ناامیدی شدند و برای جبران ضعف دولت، به باشگاه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های تخصصی روی آوردند. این گروه‌ها دارای

سرمایه اجتماعی درون گروهی زیادی بودند و از میان همین انجمن‌ها و گروه‌ها بود که هیتلر توانست قدرت را به دست گیرد. «ضعف نهادسازی سیاسی مشکل اصلی آلمان در دوران وایمار بود» (Berman, 1997: 401-429). در شرایط ضعف نهادهای سیاسی، می‌توان کژکارکردهای بیشتری از سرمایه اجتماعی انتظار داشت.

پورتس چهار نوع کژکارکردی سرمایه اجتماعی را مشخص می‌کند:

۱. کنارگذاشتن افراد خارج از گروه؛
۲. تحمیل برخی وظایف مازاد بر افراد گروه؛
۳. ایجاد محدودیت بر آزادی افراد؛
۴. از بین بردن تفاوت‌ها و یک‌دست کردن افراد گروه (Portes, 1998: 1-24).

تبعیض علیه افراد خارج از گروه

سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب تبعیض جنسیتی، نژادی و طبقاتی شود (Bezanson, 2006: 4, 43, 427). همان‌طور که گفته شد، سرمایه اجتماعی در گروه‌هایی تولید می‌شود که اعضای آن مشابهت‌هایی داشته باشند. گروه‌هایی که متشکل از افراد نامتجانس اند نمی‌توانند سرمایه اجتماعی مؤثری به وجود آورند. بنابراین، کسانی به عضویت گروه درمی‌آیند که با سایر اعضای گروه هماهنگ باشند و خودبه‌خود از ورود افراد «متفرقه» و «متفاوت» جلوگیری به عمل می‌آید. گروه‌ها تمایل دارند که اعضای خود را از میان افراد هم‌نژادی که از طبقه متنفذ و صاحب قدرت‌اند برگزینند. به ادعای فمینیست‌ها، در بسیاری از گروه‌ها زنان پذیرفته نمی‌شوند و یا به سختی و با شرایط سخت‌گیرانه‌تری پذیرفته می‌شوند (ibid).

همان پیوندهایی که موجب می‌شود افراد گروه به منافع دست یابند عموماً آن گروه را قادر می‌سازد تا راه دیگران را برای برخوردار شدن از منافع سد کند. اعمال کنترل فزاینده کارهای تولیدی به وسیله مهاجران کره‌ای در شهرهای متعدد ساحل شرقی آمریکا، انحصار سنتی تاجران یهودی بر تجارت الماس در نیویورک، و سیطره مهاجران کوبایی بر بخش‌های متعدد اقتصاد در میامی (پورتس، ۱۳۸۴: ۳۰۳-۳۴۸) نمونه‌هایی از آثار تبعیض آمیز سرمایه اجتماعی است.

هر گروه مولد سرمایه اجتماعی، اعم از سازمان و جامعه، پیوندهای میان اعضای گروه خود را مستحکم می‌کند و برای حفظ این پیوندها سعی می‌کند افراد غیر عضو را نه تنها

نادیده بگیرد، بلکه تا حد توان، آن‌ها را از منافع به وجود آمده در این گروه محروم کند. گاهی این رفتار به قدری شکل افراطی به خود می‌گیرد که منجر به دشمنی با افراد غیر عضو می‌شود. در انحصار نگه داشتن منافع مستلزم طرد غریبه‌هاست.

انسجام میان اعضای گروهی برخوردار از سرمایه اجتماعی می‌تواند به قدری تقویت شود که موجب دشمنی با افراد غیر عضو شود. فوکویاما امکان وقوع چنین رویدادی را تأیید می‌کند و می‌گوید:

گروه‌های بسیاری هستند که هنگام مواجهه با بیگانگان، دارای انسجام داخلی هستند که به صورت تردید، دشمنی یا تنفر غیر منطقی بروز می‌کند. گروه‌هایی مانند «کوکلوس کلان»^۲ و مافیا براساس هنجارهای مشترک، اهداف مشترکی دارند. بنابراین، دارای سرمایه اجتماعی‌اند. البته، برای جوامع بزرگ‌تری که آن‌ها داخلشان جای می‌گیرند این قبیل گروه‌ها عوامل خارجی منفی به‌شمار می‌آیند. بنابراین، سرمایه اجتماعی می‌تواند کارکرد منفی نیز داشته باشد (محقق، ۱۳۸۵: ۶۳).

سرمایه اجتماعی، همان‌گونه که پیوند میان اعضای گروه را تقویت می‌کند، ناخودآگاه موجب تحریم افراد غیر عضو از منافع می‌شود؛ اما اگر این جنبه بیگانه‌ستیزی میان اعضای گروه تقویت شود، در بقیه جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. البته، این حالت در مواردی رخ می‌دهد که سرمایه اجتماعی به صورت افراطی برای همبستگی اعضا و تحریم غیر اعضا به کار برده شود. سرمایه اجتماعی، بیش از هر یک از دو شکل دیگر سرمایه، استعداد تولید آثار خارجی منفی دارد. این بدان سبب است که همبستگی گروهی در جوامع انسانی، اغلب به بهای دشمنی با افراد غیر عضو گروه به دست می‌آید (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۶۷-۲۰۱).

سرمایه اجتماعی خاصیت خاصه‌نوازی دارد و فقط افراد عضو گروه و شبکه را از منافع بهره‌مند می‌سازد، افراد خارج از گروه به این منافع دسترسی ندارند. در بسیاری از جوامع، افرادی که از نظر موقعیت اجتماعی ضعیف‌اند و نمی‌توانند به عضویت گروه‌های پرنفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درآیند از بسیاری از امکانات محروم و هر روز ضعیف‌تر می‌شوند. در واقع، سرمایه اجتماعی می‌تواند چرخه‌ای مخرب به وجود آورد که طبقه بالای جامعه هر چه بیشتر قوی و طبقه ضعیف جامعه هر چه بیشتر ضعیف شوند.

کلمن نشان داده است که سرمایه اجتماعی، در نهایت، منجر به ایجاد سرمایه انسانی در نسل آینده و بنابراین، باعث می‌شود نسل بعدی، به دلیل برخورداری از سرمایه اجتماعی،

موقعیت اجتماعی بهتری داشته باشد؛ اما وی به این نکته اشاره نمی‌کند که همین مسئله چه بسا به افزایش شکاف طبقاتی منجر شود.

فرض کنید فردی می‌خواهد با استفاده از سرمایه اجتماعی، وضعیت اجتماعی خود را بهبود ببخشد. او به یک شبکه اجتماعی وصل می‌شود و از هنجارهای آن گروه اطاعت می‌کند و در نتیجه، منابع آن گروه، یعنی روابط اجتماعی، را به تدریج به دست می‌آورد. بنابراین، می‌تواند تحرک اجتماعی (socially mobile) را تجربه کند و خود را در هرم اجتماعی بالا بکشد. اما همین امر باعث می‌شود که قشر بندی اجتماعی (stratification of society) بازتولید و تقویت و در نتیجه، تبعیض اجتماعی افزون شود.

تحمیل وظایف مازاد بر افراد گروه

سرمایه اجتماعی این توانایی را دارد که فرد را وادار کند فراتر از تمایلات و خواسته‌های خود و مطابق خواسته‌های گروه عمل کند. در گروه‌های دارای سرمایه اجتماعی، وظایفی برای اعضا مشخص می‌شود که افراد عضو گروه مجبورند آن‌ها را انجام دهند. در خانواده‌های مستحکم و با پیوندهای قوی نیز این وضعیت وجود دارد و اعضای جوان مجبورند مطابق خواسته‌های خانواده، وظایفی برعهده بگیرند که گاه مطابق خواست و میل آن‌ها نیست. این وضعیت زمانی با انتقادات بیشتری همراه می‌شود که در یک گروه خاص و ناهنجار رخ دهد. مثلاً، در گروه‌های مافیایی و دسته‌های خلافکار (gang) و یا حتی در بسیاری از گروه‌های دوستی جوانان و نوجوانان، خواسته‌هایی مطرح می‌شود که با اخلاق فردی و هنجارهای جمعی مغایرت دارد، ولی فرد به دلیل فشار گروه به این خواسته‌ها تن در می‌دهد.

محدود کردن آزادی‌های افراد گروه

در گروه‌هایی که سرمایه اجتماعی درون گروهی بالایی دارند سعی می‌شود هرگونه رفتارهای فردی مضر به حال گروه محدود شود. سرمایه اجتماعی زمانی موفق عمل می‌کند که سطح هماهنگی گروه بالا و پیوستگی و انسجام میان اعضای گروه قوی باشد. محدود کردن اندیشه و رفتار در چهارچوب گروه هزینه‌ای است که برای حفظ پیوندهای مستحکم در گروه پرداخت می‌شود. این وضعیت را می‌توان در بنگاه‌های اقتصادی سنتی مشاهده کرد که از هر اقدام خارج از چهارچوب و ضوابط پذیرفته شده اجتناب می‌کنند.

از بین بردن تفاوت‌ها و یک‌دست‌سازی اجباری افراد گروه

سرمایه اجتماعی معمولاً از مشارکت مدنی، اعتماد به مؤسسات مدنی و حس هموندی (عضویت) در اجتماع که هنجارهای اجتماعی و درون‌گروهی به اشتراک گذاشته شده است، حاصل می‌شود. همبستگی میان افراد گروه در صورتی حاصل می‌شود که ویژگی‌های مشترک تقویت شود و تفاوت‌ها کاهش یابد. همین مسئله موجب می‌شود که تفاوت‌های فردی افراد نادیده گرفته شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند در حالت افراطی خود موجب فشار برای هم‌رنگ شدن با جماعت شود (Portes & Landolt, 1996: 94).

در محیط‌های روستایی معمولاً سرمایه اجتماعی بالاست و مردم از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند؛ مثلاً، جرم و جنایت بسیار اندک و کمک و همیاری میان روستاییان زیاد است. اما این سؤال مطرح است که چرا نسل جوان و افرادی با روحیه استقلال‌طلب به ترک روستا تمایل دارند. علت را می‌توان در همین عارضه منفی و ناخواسته سرمایه اجتماعی جست‌وجو کرد. این محیط بسته روستایی تاب اقدامات خلاقانه و مبتکرانه افراد را ندارد و ناچار این افراد از گروه خارج می‌شوند. محیط پر از سرمایه اجتماعی چنان قید و بندی به جمع تحمیل می‌کند که افراد مبتکر ناچارند از مزایای سرمایه اجتماعی چشم‌پوشند و از گروه خارج شوند.

سرمایه اجتماعی و دین

همان‌طور که اشاره شد، سرمایه اجتماعی همان‌گونه که آثار مثبت دارد، آثار منفی هم در پی دارد. این مسئله مخصوصاً در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مشهود است. به‌صورت نظری و کاربردی، سرمایه اجتماعی به‌علت بی‌طرف بودن، ظرفیت بالقوه‌ای برای تبدیل به ابزار شیطانی یا نیکو دارد (Daanish, 2005: 328).

می‌توان گفت که ریشه همه انتقادات به سرمایه اجتماعی نبود سرمایه اجتماعی پیوندی و فقدان «عدالت» است. سرمایه اجتماعی، به‌معنای مرسوم آن، براساس بی‌عدالتی بنا نهاده شده است. لب کلام منتقدان سرمایه اجتماعی این است که عده‌ای دور هم جمع می‌شوند و با تشکیل شبکه‌ای شبه‌مافیایی، منافع را جذب می‌کنند که فقط اعضای گروه از آن بهره‌مند می‌شوند. استفاده از این منافع به قیمت محرومیت افراد غیر عضو تمام می‌شود و این با اصل انصاف و عدالت همخوان نیست.

سرمایه اجتماعی، مانند دیگر مفاهیم علوم اجتماعی، از بنیانی فلسفی سرچشمه می‌گیرد و آن فلسفه لیبرالیسم است. در این مکتب فکری، در قرائت‌های کلاسیک آن، عدالت

جایگاهی اساسی ندارد و اتفاقاً این مسئله مهم‌ترین ضعف لیبرالیسم محسوب می‌شود و متفکران غیرلیبرالیست از این جبهه کاری‌ترین ضربه‌ها را به این تفکر وارد کرده‌اند.^۳ قاعدتاً سرمایه اجتماعی‌ای که در غرب مطرح می‌شود خاستگاه لیبرالیستی دارد و نمی‌تواند از ریشه‌های نظری خود فراتر رود. این غفلت می‌تواند پاشنه آشیل نظریه سرمایه اجتماعی باشد؛ عدالت مغفول مانده و در عوض، به سود اقتصادی حاصل از سرمایه اجتماعی فراوان پرداخته شده است. بیشتر مثال‌ها، سنجش‌ها و مزایای عنوان‌شده برای سرمایه اجتماعی به‌نوعی با سود اقتصادی پیوند دارد، درحالی‌که ماهیت و سازوکار سرمایه اجتماعی مفهومی غیرمادی است. بنابراین، باید پذیرفت که اندیشه سرمایه اجتماعی، خواه‌ناخواه، از نظریه لیبرال سرمایه‌داری تأثیر پذیرفته است و حتی باید جسارت به خرج داد و افزود که این مفهوم اکنون به خدمت نظام سرمایه‌داری درآمده است و در راه پیشینه‌کردن سود مالی جوامع غربی و کاستن هزینه‌ها به کار می‌رود.

اما آیا این تمام ظرفیت مفهوم عظیمی مانند سرمایه اجتماعی است؟ آیا نمی‌توان این مفهوم را به‌جز تولید اقتصادی در مسیر دیگری هم به‌کار گرفت؟ آیا برای ترغیب مردم به تولید سرمایه اجتماعی فقط باید از جنبه حرص و طمع انسان‌ها بهره گرفت و عواید مالی آن را گوشزد کرد؟

به‌نظر می‌رسد راه دیگری هم وجود دارد که می‌توان برای تولید سرمایه اجتماعی انگیزه ایجاد کرد و از این راه برای تسهیل اقدامات غیر اقتصادی بهره گرفت. دین و مذهب می‌تواند به‌مثابه بستر اندیشه‌ای سرمایه اجتماعی به‌کار گرفته شود و نوع متفاوتی از سرمایه اجتماعی را تولید کند. در این صورت، بسیاری از عوارض منفی سرمایه اجتماعی نیز از بین می‌رود و مشاهده نخواهد شد.

دین به مفهوم عدالت توجه دارد و بنابراین، سرمایه اجتماعی تولیدشده در این مسیر ناعادلانه نیست. گروه‌های مذهبی مولد سرمایه اجتماعی اعضای خود را به افراد خاص محدود نمی‌کنند و تبعیض جنسیتی، نژادی و طبقاتی ساختارمند ندارند. در ادامه، به این نکته اشاره خواهیم کرد که دینی مانند اسلام حتی تبعیض مذهبی هم برای تولید سرمایه اجتماعی قائل نیست و کفار را هم از سرمایه اجتماعی اسلامی بهره‌مند می‌سازد.

دین انگیزه‌هایی غیر مادی برای تولید سرمایه اجتماعی به‌وجود می‌آورد و مردم را به ایثار و ازخودگذشتگی برای اهداف والا تشویق می‌کند. سرمایه اجتماعی دینی فراگیرتر است و افراد بیشتری از آن بهره‌مند می‌شوند.

تأثیر دین در عملکرد سرمایه اجتماعی

ماهیت وحدت‌بخش دین موجب شده است که آن را عاملی جدی و مهم در افزایش سرمایه اجتماعی در نظر بگیرند. دین موجب می‌شود که با افزایش همبستگی میان مردم، روابط مردم قوی‌تر شود. بر این اساس، افراد دین‌دار بیش از دیگران به روابط اهمیت می‌دهند. این افراد بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی و بشردوستانه شرکت می‌کنند. همچنین، مناسک جمعی مذهبی ارتباطات شخصی و مستقیم میان مؤمنان را بیشتر می‌کند. باورهای دینی با پیوند دادن افراد با جامعه و هم‌نوعان، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند و با تقویت اهداف خیرخواهانه و بشردوستانه همانند کسب رضایت خداوند، زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد (شکری و حسومی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

تحقیقات نشان می‌دهد که در غرب، کسانی که عضو کلیسا هستند کارهای داوطلبانه اجتماعی بیشتری برعهده می‌گیرند و بیشتر تمایل دارند که در اقدامات داوطلبانه مشارکت کنند (De hart, 2001: 89-103) در مقایسه مشهوری که میان مدارس مذهبی و غیرمذهبی امریکا به عمل آمد مشاهده شد که ترک تحصیل در مدارس مذهبی به‌نحو چشمگیری کمتر است. برخورداری از سرمایه اجتماعی بالا در مدارس مذهبی علت چنین پدیده‌ای بیان شد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

فوکویاما به ارزش‌های اخلاقی همانند مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار در ادیان اشاره دارد و بر این باور است که چنین ویژگی‌هایی موجب ایجاد سرمایه اجتماعی بین اعضای یک گروه یا فرقه مذهبی می‌شود (روحانی صراف و زرروانی، ۱۳۸۷: ۲۷-۴۴). رابرت بارو دین را عامل «تکوین اعتقاداتی که شکل‌دهنده ویژگی‌هایی فردی چون صداقت، اخلاق کاری، پس‌انداز و صرفه‌جویی و بازبودن در قبال غریبه‌ها» می‌داند (Barro, 2004: 64). این مفاهیم نقش مؤثری در تولید سرمایه اجتماعی دارند.

توکویل و دورکیم مذهب را ملاط جامعه می‌دیدند. امیل دورکیم بر این نظر بود که تشریفات مذهبی هسته اجتماعی ادیان‌اند. احساسات مذهبی‌ای که در این اجتماعات به‌وجود می‌آید نیرویی است که یک‌پارچگی و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. این تشریفات مذهبی «برای کارکرد مناسب زندگی معنوی جامعه، درست به اندازه غذا برای حفظ حیات جسمی، ضرورت دارد» (Durkheim, 1912: 382).

مهم نیست که فرد در این گردهمایی مذهبی چه کاری انجام می‌دهد و یا این‌که

تشریفات مذهبی شامل چه چیزهایی است. مهم این است که یکدیگر را ملاقات کنند و یک عمل جمعی در قالب تشریفات مذهبی انجام دهند.

مذهب با توصیه به فرد در مورد توجه به دیگران و از خودگذشتگی، پیوندهای مورد نیاز سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. مذهب می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد. این امر در آثاری که ایمان مذهبی در وادار کردن افراد به توجه به منافع دیگران دارد آشکار است.

بسیاری از مذاهب با ترویج ارزش‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار موجب می‌شوند سرمایه اجتماعی بالایی در میان پیروان این ادیان به وجود آید، هرچند ادیان و مذاهبی در این زمینه می‌توانند موفق باشند که علاوه بر اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مفید و مؤثر با دیگر گروه‌ها و مذاهب را فراهم سازند (صالحی و کاوسی، ۱۳۸۷). دین مبین اسلام ویژگی‌هایی دارد که باعث می‌شود روابط مسلمانان با پیروان سایر ادیان نه تنها قطع نشود، بلکه گسترش یابد و تقویت شود.

دین اسلام سرشار از مفاهیم سرمایه اجتماعی است. در طول تاریخ اسلام نیز، مسلمانان از سرمایه اجتماعی استفاده کرده‌اند. مثلاً، حضرت رسول (ص) نه سرمایه فیزیکی چندانی در اختیار داشتند و نه سرمایه انسانی گسترده‌ای. همه سرمایه پیامبر (ص) همین سرمایه اجتماعی بود که زمان و مکان نمی‌شناخت. سرمایه اجتماعی بود که توانست نهضت اسلامی را تا اقصی نقاط دنیا نفوذ دهد.

مفهوم سرمایه اجتماعی را، به زیبایی هرچه تمام‌تر، در این آیه از قرآن کریم می‌توان دید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ: و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را درباره خود به یاد آرید. آن‌گاه که با هم دشمن بودید، پس میان دل‌های شما الفت افکند. پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید. و شما بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن برهانید. خداوند این چنین نشانه‌های (توحید و قدرت و حکمت) خود را برای شما روشن می‌کند، شاید هدایت یابید (آل عمران: ۱۰۲).

اگر بخواهیم برای سرمایه اجتماعی یک معنای قرآنی پیدا کنیم، الفت که در این آیه به کار رفته، بهترین ترجمه قرآنی برای سرمایه اجتماعی است. قیدی که آیه شریفه برای این الفت آورده و تأکید بر این که خداوند آن را پدید آورده، معنای سرمایه اجتماعی اسلامی

است؛ یعنی، منشأ اعتماد و پیوند میان افراد جامعه از خداوند است، و این است معنای سرمایه اجتماعی اسلامی. در این آیه «مسئله اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه» مطرح می‌شود و می‌فرماید: همگی به ریسمان الهی چنگ زنید، و از هم پراکنده نشوید. منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۹).

قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره می‌کند و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوه‌بار گذشته و مقایسه آن «پراکندگی» با این «وحدت» دعوت می‌کند و می‌گوید: «فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید، ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل‌های شما را به هم مربوط ساخت، و شما دشمنان دیروز برادران امروز شدید» و جالب توجه این‌که کلمه «نعمت» را دو بار در این جمله تکرار کرده و به این طریق، اهمیت موهبت اتفاق و برادری را تذکر می‌دهد (همان: ۳۰).

خداوند تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید: خدا در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و با این تعبیر مردم را متوجه این نکته می‌کند که در جامعه اسلامی، خداست که مردم را به هم پیوسته نگاه می‌دارد. توجه به وضع اعراب در زمان جاهلیت کافی است تا ببینیم چگونه ممکن است مردم پراکنده و دل‌های آکنده به کینه در سایه اسلام و با دست قدرتمند الهی به یکدیگر پیوند بخورند و به چنان سرمایه اجتماعی در جامعه تازه تأسیس اسلامی دست یابند که بر تمام کمبودها در سرمایه مالی غلبه کنند و به مدد همین سرمایه اجتماعی بر امپراتوری ایران، که از سرمایه اجتماعی تهی بود، غلبه و امپراتوری روم را تهدید کنند. این آیه جامعه تهی از اعتماد و برادری را به جهنم تشبیه می‌کند. شفا، در اصل، به معنای کناره چاه و یا خندق و مانند آن است (همان: ۳۲). در این آیه خداوند می‌گوید: شما در گذشته بر لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر شود؛ اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه «برادری و محبت» بود، رهنمون ساخت.

استفاده از سرمایه اجتماعی فقط منحصر به صدر اسلام نیست. امروز نیز تاریخ ایران نشان داده است که سرمایه اجتماعی باید با توجه به فرهنگ اسلامی تعریف شود. به دلیل هویت دینی مردم ایران، تحلیل سرمایه اجتماعی در این دیار باید با رویکردی دینی صورت پذیرد. چه بسا بخش‌هایی دیگر از سرمایه‌های اجتماعی دست‌نخورده و غنی نیز در این کشور وجود داشته باشد که با معیارهای متعارف نه شناختنی است و نه سنجیدنی، و تنها با رویکرد بومی و دین‌محور بتوان آن‌ها را شناخت و از آن‌ها بهره برد.

اصول سرمایه اجتماعی اسلامی

اصول اساسی سرمایه اجتماعی اسلامی در آیه ۲۷۲ سوره بقره بیان شده است. این آیه زمانی نازل شد که مسلمانان حاضر نبودند به نامسلمانان کمک کنند (همان: ۲۵۹). در واقع، ارتباط بین مسلمانان و نامسلمانان برقرار نبود. به تعبیر علمی آن، سرمایه اجتماعی از نوع درون‌گروهی میان مسلمانان جریان داشت، اما سرمایه اجتماعی پیوندی میان مسلمانان و سایر گروه‌های اجتماعی برقرار نبود. مؤمنین در جامعه بسته خود به تولید سرمایه اجتماعی می‌پرداختند و هر نوع عمل دگرخواهانه در همین محیط انجام می‌شد؛ اما با نزول این آیه اصول ارتباط با نامسلمانان مشخص شد. این آیه کلید تولید سرمایه اجتماعی اسلامی است و در مورد برقراری روابط میان مسلمین و غیرمسلمین اصولی را بیان می‌کند و می‌توان گفت به‌روشنی از اصول سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید.

این قوانین می‌تواند قوانین اساسی در تدوین چهارچوب سرمایه اجتماعی اسلام تلقی شود که مفاهیم بنیادین سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کند. نکته مهم این است که در این آیه کریمه سخن از انفاق مال نیست، بلکه همواره انفاق خیر یعنی انجام اعمال خیر ذکر شده است و بنابراین، دایره شمول آن فراتر از کمک‌های مادی است و هر نوع کار نیکی را شامل می‌شود.

خداوند می‌فرماید:

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَا كَيْفَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ: هدایت آن‌ها (به اجبار) بر تو نیست (بنابراین، ترک انفاق به غیرمسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست) ولی خداوند هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند. و آنچه از خوبی‌ها و اموال انفاق می‌کنید برای خودتان است (ولی) جز برای رضای خدا انفاق نکنید و آنچه از خوبی‌ها انفاق می‌کنید (پاداش آن) به‌طور کامل به شما داده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد (بقره: ۲۷۲).

اصل اول: رابطه دگرخواهانه عام

برقراری رابطه با همه براساس نیک‌خواهی و خیرخواهی است.

مسلمانان ملزم‌اند که رابطه مثبت خود را از دیگران دریغ نکنند. آن‌ها نباید به بهانه کافر بودن کسی، او را از خیر خود محروم کنند و اعمال خیر را ابزاری برای قبولاندن اسلام

قرار دهند. خداوند خود متکفل هدایت افراد کافر است.^۴ اما وظیفه یک مسلمان این است که فارغ از اعتقادات و مذهب، به ممنوع خود کمک کند. رابطه مثبت و خیرخواهانه میان مسلمانان و نامسلمانان باید برقرار باشد. این رابطه موجب می شود که شبکه اجتماعی مسلمانان به نامسلمانان متصل شود و جامعه جهانی به صورت یکپارچه بر اصول انسان دوستانه توافق داشته باشد. مسلمانان حتماً باید خیرخواه همه افراد بشر باشند و هر رابطه ای که با آنها برقرار می سازند از روی نیک خواهی باشد. این اصل موجب می شود که رابطه میان مسلمانان و نامسلمانان قطع نشود و علاوه بر سرمایه اجتماعی درون گروهی، سرمایه اجتماعی پیوندی نیز به وجود آید.

علت این که خداوند به مسلمانان دستور داده است به نامسلمانان کمک کنند کرامت ذاتی انسان هاست. هر انسانی ذاتاً محترم است و بدون توجه به مذهب به او احترام گزارده می شود. کمک به همه انسان ها وظیفه هر مسلمان است.

نکته جالب توجه این که اسلام را می توان در این زمینه، یکی از معدود ادیانی برشمرد که سرمایه اجتماعی از نوع پیوندی را در میان پیروان خود گسترش می دهد؛ زیرا بسیاری از ادیان، از جمله مسیحیت، اگرچه مولد سرمایه اجتماعی اند، بیشتر از نوع درون گروهی است و به پیروان آن دین اختصاص دارد (Williams & Fortuny Loret de Mola, 2007: 2, 5, 233).

اصل دوم: مطلوبیت ذاتی رابطه دگرخواهانه

هر رابطه دگرخواهانه، ذاتاً ارزشمند و مفید برای خود فرد است.

این اصل با عوامل معنوی مرتبط است؛ یعنی خود عمل خیر موجب به وجود آمدن موقعیتی می شود که رشد فرد خیرخواه سرعت بگیرد. در این جا صحبت از نتیجه عمل خیر در میان نیست (مربوط به اصل چهارم)، بلکه منظور این است که با عمل خیر و قبل از به نتیجه رسیدن این عمل، منفعت و سودی به عامل خیر رسیده است.^۵ این اصل از قوانین و سنت های الهی است و موجب می شود که رشدی در روح و شخصیت فرد به وجود آید و کمک های خاص و غیبی شامل حال او شود. پس از این که عمل خیر به نتیجه رسید، سود دیگری هم از این راه به عامل خیر واصل می شود؛ اما این سود با منفعت اولیه تفاوت دارد. به همین دلیل، گفته می شود که داشتن نیت خیر برای اعمال نیکو و دگرخواهانه، بدون این که منجر به اقدام عملی شود، نتیجه مثبت دارد و حتی نیت نیکو بهتر از خود عمل نیکو شمرده شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۶/۵۷۷).

این موضوع با اصل قبل هم مرتبط است؛ زیرا زمانی که عمل دگرخواهانه به نفع خود فرد باشد و سود مستقیم آن به عامل آن برسد، فرقی نمی‌کند که این عمل خیر در مورد چه کسی صورت گرفته باشد. اگر حتی طرف مقابل کافر باشد، مسلمان عامل به خیر همان سود اولیه را دریافت خواهد کرد.

اصل سوم: خدامحوربودن رابطه دگرخواهانه

هر نوع رابطه باید با هدف جلب رضایت خداوند صورت گیرد.

در جامعه اسلامی، هر مسلمانی حتماً باید هدف از برقراری رابطه نیکخواهانه خود را رضایت پروردگار قرار دهد و در غیر این صورت از سرمایه اجتماعی اسلامی بهره‌مند نمی‌شود.^۶ در واقع، در سرمایه اجتماعی مرسوم، آنچه مهم است برقراری رابطه میان افراد است و هدف از برقراری آن اهمیتی ندارد. اما در سرمایه اجتماعی اسلامی، هدف از برقراری رابطه هم مهم است. آنچه این رابطه را ارزشمند می‌کند در نظر گرفتن رضایت خداست. فرد مسلمان، از ارتباط با خداوند به ارتباط با دیگر انسان‌ها می‌رسد. نخست او با خدا ارتباط برقرار می‌کند و به دلیل فرمان خدا در مورد کمک به هم‌نوع، به دیگر انسان‌ها کمک می‌کند. این موضوع نیز از اختصاصات سرمایه اجتماعی اسلامی است. خدامحوربودن رابطه، در واقع، روح سرمایه اجتماعی اسلامی است و هویت آن را تشکیل می‌دهد و موجب می‌شود سازوکارهای غیبی و غیر مادی برای حمایت و افزایش بازدهی این ارتباطات به‌کار بیفتند. برکت در جایی عمل می‌کند که اعمال خیر انسان رنگ خدایی داشته باشد.

اصل چهارم: بازدهی نام

در سرمایه اجتماعی اسلامی هیچ‌گونه ضرری وجود ندارد و منفعت آن کامل و تمام به فرد می‌رسد.

در سرمایه اجتماعی مرسوم، مانند انواع دیگر سرمایه، همواره درصدی ضرر وجود دارد. یعنی، فرد به همان اندازه که سرمایه‌گذاری کرده است سود نخواهد برد؛ زیرا بخشی از آن از طریق عوامل ناخواسته تلف می‌شود. بنابراین، همواره بخشی به‌مثابه هزینه استهلاک در نظر گرفته می‌شود. قانون بازدهی کار در بحث اقتصادی نیز حاکم است: هرگز بازدهی صددرصد ممکن نیست.

اما در سرمایه اجتماعی اسلامی، سخن از بازدهی صددرصد است. بخشی از سرمایه گذاری که در این دنیا ظاهراً تلف شده است، در جهان آخرت خود را نشان خواهد داد. فرد مسلمان حتی اگر با برقراری رابطه دگرخواهانه خود هیچ منفعت مادی در این دنیا به دست نیاورد، مطمئن است که در جهان آخرت می تواند از نتایج عمل خود بهره مند شود. این قانون موجب می شود که خطر برقراری روابط دگرخواهانه به صفر برسد؛ زیرا در این کار ضرری در میان نیست. اگر فرد مسلمان با رعایت تمام قوانین گفته شده رابطه برقرار کند، هرگز دچار زیان نخواهد شد و حتماً سود خواهد برد؛ سود آن، مادی یا معنوی، در این دنیا و یا آخرت، به فرد خواهد رسید. کلمه «توفی» که در این آیه به کار برده شده است^۷ به معنای بازگرداندن هر چیز به صورت کامل است، به صورتی که از حالت نخست آن کمتر نشده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

نتیجه گیری

توجه به سرمایه اجتماعی در سند چشم انداز بیست ساله کشور آشکار است. اما اگر قصد داریم سرمایه اجتماعی را در ایران ارتقا ببخشیم، باید توجه داشته باشیم که منابع دست نخورده و بکر دینی در فرهنگ مردم این سرزمین وجود دارد که می تواند انگیزه های قوی و مؤثری برای تولید سرمایه اجتماعی محسوب شود. سرمایه اجتماعی جنبه هایی منفی دارد که مطلوبیت آن را کاهش می دهد. تنها راه پیشگیری از ابتلای سرمایه اجتماعی به عوارض نامطلوب دست به دامن دین شدن و بهره گرفتن از ظرفیت های دینی است.

توجه به این موضوع در جامعه دینی و اخلاقی ایران ضروری تر است. در جامعه غربی با نظام های نظارتی و اخلاقی مؤثر، سرمایه اجتماعی می تواند چنین عوارضی از خود برجای بگذارد، در ایران وضع به مراتب خطرناک تر است؛ زیرا اخلاق غیردینی در ایران بسیار ضعیف است و عموم اخلاق گرایان در ایران مؤمنین اند، در صورتی که در غرب معتقدان به اخلاق مدنی و غیردینی (سکولار) فراوان اند. بر همین اساس، مقاله محتاطانه ادعا می کند که اتفاقاً انگیزه های مادی این قابلیت را دارد که مردم ایران را فاسد کند و حلقه های سرمایه اجتماعی شکل گرفته براساس فواید اقتصادی، بی عدالتی هایی به مراتب عمیق تر از غرب به وجود می آورد و رانت خواری را تقویت می کند. البته، اثبات این ادعا نیازمند پژوهش جداگانه ای است.

باید این نکته را نیز یادآور شد که نگاه های جامعه شناسان غربی کم کم به نقش دین در

تولید سرمایه اجتماعی جلب شده است؛ زیرا بخش مهم و چشمگیری از سرمایه اجتماعی در غرب مدیون نهادهای اخلاقی و دینی است. اکنون می‌توان در عناوین مقالاتی که در مورد سرمایه اجتماعی نگارش یافته است به کلیدواژه دین و نهادهای دینی برخورد.

در این نوشتار، وجود کژکارکردها در کنار کارکردهای سرمایه اجتماعی تبیین شد. نبود تعادل میان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی پیوندی به همراه بی‌عدالتی و تبعیض دو عامل مهمی است که کژکارکردی‌های سرمایه اجتماعی را رقم می‌زند. اصول سرمایه اجتماعی که در آیه کریمه ۲۷۲ سوره شریفه بقره آمده است، به صورت خاص این دو تهدید را برطرف می‌کند و به این ترتیب، عرصه را بر کژکارکردی‌های سرمایه اجتماعی تنگ می‌کند. در این آیه، قوانین سرمایه اجتماعی اسلامی به این شکل بیان شده است و هر یک از این قوانین می‌تواند تا حدی کژکارکردی‌های سرمایه اجتماعی را تسکین بخشد:

۱. برقراری رابطه با همه (مسلمان و نامسلمان) براساس نیک‌خواهی و خیرخواهی است.
۲. هر رابطه دگرخواهانه ذاتاً ارزشمند و مفید برای خود فرد است. این اصل به همراه اصل اول، باعث می‌شود که «تبعیض علیه افراد خارج از گروه» بی‌اثر شود؛ زیرا دین اسلام حتی افرادی را که خارج از دین اسلام‌اند مشمول برخورداری از منافع سرمایه اجتماعی می‌داند. اصل ارزشمند بودن ذاتی رابطه دگرخواهانه نیز، به همین ترتیب، مانع از تبعیض علیه افراد خارج از گروه می‌شود و سرمایه اجتماعی اسلامی همگان را، فارغ از دین و آیین، از مواهب خود برخوردار می‌کند.

۳. هر نوع رابطه باید با هدف جلب رضایت خداوند صورت گیرد. کارکرد مهم این اصل این است که محور اصلی سرمایه اجتماعی دینی را جلب رضایت خداوند قرار می‌دهد. معمولاً در گروه‌های مولد سرمایه اجتماعی، محور انسجام یا رهبر گروه است و یا منافع جمعی. در هر دو صورت، کژکارکردی‌های «محدودکردن آزادی‌های فردی در گروه» و «یک‌دست‌سازی اجباری» احتمال بروز و ظهور دارند. اما اگر منبای تولید سرمایه اجتماعی رضایت خداوند قرار گیرد، این کژکارکردها مجال ظهور نمی‌یابند.

۴. در سرمایه اجتماعی اسلامی هیچ‌گونه ضرری وجود ندارد و منفعت آن کامل و تمام به فرد می‌رسد. این اصل باعث می‌شود که افراد گروه با طیب‌خاطر، اقدامات دگرخواهانه انجام دهند؛ زیرا مطمئن‌اند که نتیجه کار آن‌ها تام و تمام به آن‌ها بازخواهد گشت. اگر افراد، داوطلبانه و خودخواسته، اقداماتی انجام دهند، در این صورت دیگر

مفهوم «تحمیل وظایف مازاد بر افراد گروه» (کژکارکردی دوم) بی معنا می شود؛ زیرا اصولاً تحمیل وجود نخواهد داشت.

این اصول و قوانین موجب تمایز سرمایه اجتماعی در دستگاه تحلیل اسلامی و سایر مکاتب و تفکرها می شود و شایسته است که سیاست گذاران عرصه سرمایه اجتماعی، به سرمایه اجتماعی اسلامی توجه داشته باشند تا اولاً، میزان تولید سرمایه اجتماعی را افزونی بخشند و از سوی دیگر، مانع از گسترش کژکارکردی‌ها و عوارض نامطلوب سرمایه اجتماعی، که کمتر به آن‌ها توجه می شوند، شوند.

پی نوشت

۱. جمهوری وایمار (Weimarer Republik) به نظام حکومتی آلمان طی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ حد فاصل پایان جنگ جهانی اول تا روی کار آمدن حکومت نازی‌ها اطلاق می شود. جمهوری وایمار اولین تلاش برای برقراری مردم‌سالاری در آلمان بود که سیاست‌مداران آلمانی در شهر وایمار در موردش به اجماع رسیدند. این نظام سیاسی با ظهور هیتلر به سرعت شکست خورد و از صحنه سیاست حذف شد.

۲. گروه کوکلاس کلان (Ku Klux Klan (KKK)) خواستار جدایی نژادی در ایالات متحده آمریکا میان سفیدپوستان و رنگین‌پوستان‌اند. این نژادپرستان با پایان جنگ داخلی آمریکا در اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در ایالت‌های جنوبی، نفوذ گسترده‌ای به هم زدند و با پوشیدن لباس‌های سفید و گذاشتن ماسک‌های عجیب روی سر، در دل سیاه‌پوستان ترس و وحشت ایجاد کردند. تاریخچه کوکلاس کلان‌ها در ایالات متحده آمریکا سرشار از قتل، شکنجه، قطعه‌قطعه کردن انسان‌ها، ویرانگری، نابودی و کینه‌توزی نژادی است. وابستگی داخلی گروه‌های کوکلاس کلان بسیار شدید است و شخص به‌تنهایی نمی‌تواند از تصمیمات گروه سرپیچی کند. این اطاعت کورکورانه از خط مشی گروه اغلب پیامدهای خطرناکی برای امنیت اقلیت نژادی به همراه دارد.

۳. برای مطالعه بیشتر به گفتارهای اندیشمندان مکتب نئومارکسیسم و باهمادگرایی (communitarianism) مراجعه شود.

۴. لیس علیک هدیه‌م و لکن الله یهدی من یشاء (بقره: ۲۷۲).

۵. و ما تنفقوا من خیر فلأنفسکم (بقره: ۲۷۲).

۶. و ما تنفقوا الا ابتغاء وجه الله (بقره: ۲۷۲).

۷. و ما تنفقوا من خیر یوف الیکم و انتم لا تظلمون (بقره: ۲۷۲).

منابع

قرآن کریم.

- بورديو، پير (۱۳۸۴). «شکل های سرمایه»، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج بخش، تهران: شیرازه.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۴). «مصاحبه کیان تاج بخش»، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج بخش، تهران: شیرازه.
- پورتس، آلهندرو (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه‌شناسی مدرن»، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج بخش، تهران: شیرازه.
- توسلی، غلام عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۶.
- روحانی صراف، جواد و مجتبی زروانی (۱۳۸۷). «ارزش های دینی اسلام (تشیع) و سرمایه اجتماعی»، در سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- شکری، بهنام و طاهره حسومی (۱۳۸۹). درآمدی بر سرمایه اجتماعی، تهران: راش.
- صالحی امیری، سیدرضا و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج بخش، تهران: شیرازه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۴). «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج بخش، تهران: شیرازه.
- محقق، اختر (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، بی جا: مؤلف.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، ج ۱۳، تهران: دارالحدیث.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- الوانی، سیدمهدی و علیرضا شیروانی (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، اصفهان: مانی.

Agnitsch, Kerry, Flora Jan, & Vern Ryan (2006). "Bonding and Bridging Social Capital: The Interactive Effects on Community Action", *Community Development*.

Barro, Robert (2004). "Sprit of Capitalism: Religion and Economic Development", *Harvard International Review*, Vol. 25, No. 4.

- Berman, S. (1997). "Civil society and the collapse of the Weimar Republic", *World Politics*.
- Bezanson, Kate (2006). "Gender and the Limits of Social Capital", *The Canadian Review of Sociology and Anthropology*.
- Coffé, Hilde & Benny Geys (2007). "Participation in Bridging and Bonding Associations and Civic Attitudes: Evidence from Flanders", *Voluntas*.
- Daanish, Mustafa (2005). "(Anti) Social Capital in the Production an (un) civil Society in Pakistan", *Geographical Review*, New York: Jul., Vol. 95, Iss. 3.
- De hart, Joep (2001). "Religion and Volunteering in the Netherlands", *In Social Capital and Participation in everyday life*, Paul Dekker and Eric M. Uslaner, London: Routledge.
- Durkheim, E. (1912). *Les Formes Elementaires de la Vie Religieuse*, Paris: Alcan.
- Field, John (2003). *Social Capital*, London: Routledge.
- Gittel, R. J. & A. Vidal (1998). *Community organizing: Building social capital as a development strategy*, New York: Sage.
- Coleman, James (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital". *American Journal of Sociology*.
- McKenzie, Brian (2008). "Reconsidering the Effects of Bonding Social Capital: A Closer Look at Black Civil Society Institutions in America", *Political Behavior*.
- Meadowcroft, J. & M. Pennington (2008). "Bonding and bridging: Social capital and the communitarian critique of liberal markets", *Review of Austrian Economics*.
- Patulny, Roger V., & Gunnar Lind Haase Svendsen (2007). "Exploring the social capital grid bonding, bridging, qualitative, quantitative", *The International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Portes, A. (1998). "Social capital: Its origins and applications in modern sociology", *Annual review of sociology*.
- Portes, A. & P. Landolt (1996). "The down Side of Social Capital", *American Prospect*, Vol. 26.
- Williams, Philip J. & Loret de Mola Fortuny (2007). "Religion and Social Capital Among Mexican Immigrants in Southwest Florida", *Latino Studies*.